****

[دو نظریه در مورد حقیقیه یا خارجیه بودن موضوع اماکن و بلدان 1](#_Toc487624254)

[نظر مختار 1](#_Toc487624255)

[عدم اثبات جامعیت متعلق امر با اجرای اصل برائت 3](#_Toc487624256)

[**(مسألة 339)** 6](#_Toc487624257)

[شرطیت استقبال در سعی 6](#_Toc487624258)

[نقد کلام محقق خویی ره 6](#_Toc487624259)

**موضوع**: شرائط صحت سعی /سعی /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## دو نظریه در مورد حقیقیه یا خارجیه بودن موضوع اماکن و بلدان

نکته اول:

در خطاباتی که موضوعش اماکن و بلدان است، دو نظریه وجود دارد، یکی این که به نحو قضیه خارجی اخذ شده است، مثلا مقصود از مکه، مکه قدیم زمان شارع است و مقصود از جبل صفا و مروه هم جبل صفا و مروه قدیم است، و دیگری این که این عناوین به شکل قضیه حقیقیه اخذ شده و نسبت به هر زمانی اطلاق دارد و مقصود از مکه، مکه جدید با توسعه ای که پیدا کرده می باشد و همچنین ریشه های جبل صفا و مروه در قدیم، امروزه مصداق جبل صفا و مروه است.

### نظر مختار

به نظر ما می رسد در اسماء بلدان، ظاهر عرفی، اطلاق و قضیه حقیقیه است، زیرا متوقع عرفی بوده که شهر توسعه پیدا کند، و خلاف فهم عرفی است که گفته شود اطلاق ندارد، البته نسبت به توسعه متعارف که اطلاق دارد و توسعه غیر متعارف هم با الغاء خصوصیت تصحیح می شود.

اما در اماکن، اجمال وجود دارد، چون اماکن مثل مسجد کوفه و شجره، در معرض توسعه نبوده، گاهی توسعه حاصل می شده، اما چنین نبوده که توسعه آن ها، متوقع عرفی بوده باشد و لذا اطلاقی در خطاب نسبت به قسمت های توسعه یافته و جدید شکل نمی گیرد.

لذا نسبت به اماکن باید به اصل عملی رجوع شود و در موارد مختلف، متفاوت خواهد بود، مثلا در مسجد کوفه اگر توسعه داده شود، و شک کنیم که در مسجد جدید هم نماز تمام مشروع است یا نه، عمومات می گوید المسافر یقصر، مگر در مقدار متیقن و قدیم از مسجد کوفه، اما در دیگر موارد مقتضای اصل، برائت است، نمی دانیم سعی در مسعای جدید که قبلا بین ریشه ها بوده و الان بین الجبلین است، مقتضای اصل، برائت از وجوب سعی در مسعای قدیم است.

اما مشکل اصل برائت این است که گاهی مبتلی به علم اجمالی است، مثل این که ثابت شود بین مسعای جدید و قدیم، نسبت عموم من وجه است، به این بیان که مسعای واقع در زیر زمین، به نظر آیت الله وحید، شبهه سعی بین ریشه های جبل قدیم دارد، مسعای جدید در طبقه همکف نیز توسعه عرضی پیدا کرده است و عده ای گفته اند مسعای جدید بین الجبلین القدیمین بوده است، گرچه الان کوه را بریده­اند، یعنی جبلین فعلی تا مسعای جدید امتداد ندارد، پس جایی است که جزء مسعای قدیم است، اما الان در آن جا جبل صفا و مروه نیست، و زیر زمین ما بین الجبلین الفعلیین است، اما ما بین الجبلین القدیمین نیست و هر کدام محل افتراق دارند، طبعا اشکال این خواهد بود که اگر سعی بین الجبلین الجدیدین لازم است، پس سعی در مسعای جدید در همکف جایز نیست و اگر سعی بین الجبلین القدیمین مهم باشد، سعی در زیر زمین مجزی نیست و ما هم می خواهیم اصل برائت جاری کنیم و بگوییم سعی از زیر زمین جایز است و ان شاء الله موضوع حکم، قضیه حقیقیه است و هم می خواهیم نسبت به توسعه عرضی مسعی در همکف، برائت جاری کنیم و بگوییم ان شاء الله موضوع حکم، قضیه خارجیه است، در حالی که علم اجمالی داریم که یکی از این دو خلاف واقع است.

مگر کسی واقعا احتمال بدهد کفایت احد الامرین را، یعنی کفایت سعی بین الجبلین القدیمین را و سعی بین الجبلین الجدیدین را که در این صورت علم اجمالی به کذب احدهما حاصل نمی شود، ولی این مطلب ضابطه نخواهد داشت، چون باید دید معیار قضیه حقیقیه است یا قضیه خارجیه؟ این که گفته شود هر کدام باشد صحیح است، میزان فنی نخواهد داشت.

## عدم اثبات جامعیت متعلق امر با اجرای اصل برائت

نکته دوم

ما اشکالی بر جریان اصل برائت در مباحث گذشته داریم مبنی بر این که اصل برائت از لزوم سعی در خصوص محدوده 10 متری، اثبات نمی کند که جامع، متعلق امر است، اصل برائت از خصوصیت ثابت نمی­کند که جامع، متعلق امر است، فقط می گوید در مخالفت امر به خصوصیت - اگر ثابت باشد - معذوری و عقاب نمی شوی، و گرنه اصل مثبت خواهد شد، در حالی که با اصل برائت، سعی در مسعای جدید می کنند و تقصیر می کنند، اما استصحاب می گوید هنوز این شخص محرم است و باید تروک احرام را ترک کند، لذا باید اصل حاکمی بر این استصحاب داشته باشیم تا اثبات خروج از احرام شود، در حالی که اصل برائت از وجوب سعی در مسعای قدیم که نمی تواند حاکم باشد و اثبات کند که مطلق سعی ولو در مسعای جدید، موضوع برای خروج از احرام است، و گرنه مثبت می شود

و شبیه این اشکال را مرحوم صدر در بحوث فی شرح العروة الوثقی مطرح کرده که اگر کسی غسل کند و برائت از لزوم ترتیب جاری کند، استصحاب بقاء جنابت و استصحاب حرمت دخول در مسجد جاری است و نمی تواند داخل مسجد شود، برائت ثابت نمی کند که طبیعی غسل لابشرط از ترتیب، موضوع برای رفع حدث جنابت است.

لذا این اشکال را بر یکی از تلامذه مرحوم صدر که بر اساس اصل برائت حکم به جواز سعی در مسعای جدید کرده اند، وارد کردیم و دچار مشکل شدند و البته بعدا جوابی دادند که صحیح نبود، و به نظر ما جواب فنی از این اشکال نمی توان داد.

تنها جوابی که می توان داد این است که اطلاق مقامی در دلیل برائت منعقد می شود، چون غفلت نوعیه از این مطلب وجود دارد، حتی وقتی تذکر داده می شود و افراد ملتفت می شوند، تعجب می کنند، این غفلت نوعیه سبب اطلاق مقامی می شود، وقتی عرف برائت از خصوصیت جاری کرد، صحت ظاهریه سعی ثابت می شود و دیگر عرف غفلت می کند از این که نباید آثار صحت واقعیه را مترتب کند که اصل مثبت می شود، بلکه این آثار را بار می کند به جهت غفلت نوعیه.

ان قلت: این به جهت خفاء واسطه است.

قلت: نوعا خفاء واسطه را کافی در جریان اصل مثبت نمی دانند، زیرا این تسامح عرفی است که اعتباری ندارد و لذا جواب همان است که ما بیان نمودیم.

مثال دیگر: ما از لزوم رعایت برخی شرایط در نماز برائت جاری می کنیم و این گونه اثبات صحت ظاهریه نماز می کنیم، حال اگر مسافری نماز چهار رکعتی خواند، و بعد از آن، از قصد عشره برگشت، همه گفته اند تا وقتی در آن مکان مجاورت دارد، باید نمازش را تمام بخواند، در حالی که موضوع نماز تمام در ما بقی ایام مجاورت، اتیان به یک رباعی تام الاجزاء و الشرایط واقعی است و وقتی صحت ظاهری نماز رباعیه با اصل برائت ثابت شده، این اصل فقط می گوید احتیاط لازم نیست، اما اثبات نمی کند که نماز جامع الشرایط آورده شده، در حالی که موضوع وجوب تمام در ما بقی، اتیان به یک رباعی تام الاجزاء و الشرایط واقعی است.

لذا جواب صحیح همین است که غفلت نوعیه، سبب اطلاق مقامی می شود، و گرنه هیچ جواب دیگری به این اشکال صحیح نیست و مشکل را حل نمی کند.

یک جواب که داده می شود این است که مثلا موضوع خروج از احرام، سعی صحیح است ولو ظاهرا، و اصل برائت هم صحت ظاهری را اثبات می کند.

اما اشکال این است که اگر بعدا کشف خلاف شد و معلوم شد که واقعا این سعی صحیح نبوده، می­گویند از احرام خارج نشده و سعی او صحیح نیست، این نشان می دهد که موضوع خروج از احرام، سعی صحیح واقعی است، نه اعم از صحیح ظاهری.

جواب دیگر، جوابی است که بعضی تلامذه مرحوم صدر داده­اند، و نتیجه گرفته اند که استصحاب احرام و محرمات احرام جاری نیست، چون این استصحاب، شبهه مصداقیه احرام است، چون نمی دانیم محرم کسی است که لم یسع اصلا حتی فی المسعی الجدید، یا کسی است که لم یسع فی المسعی القدیم، اگر اولی باشد، این شخص سعی کرده است و اگر دومی باشد، این شخص سعی نکرده است و استصحاب مذکور، استصحاب فرد مردد است، زیرا عنوان احرام، عنوان مشیر به یک امر واقعی است که مردد بین این دو امر است، زیرا عنوان احرام نسبت به کسی که در مسعای جدید سعی نموده، مردد بین مقطوع الارتفاع و مقطوع البقاء است و نمی توان استصحاب بقاء احرام نمود، زیرا استصحاب فرد مردد است، کما این که استصحاب بقاء محرمات احرام نیز جاری نمی شود، زیرا شبهه مصداقیه محرم است و این شخص معلوم نیست محرم باشد، و با شک در بقاء موضوع که استصحاب بقاء محرمات جاری نمی شود.

اشکال این جواب نیز این است که اولا: احرام، عنوان مشیر به یک واقع تکوینی نیست، بلکه یک اعتبار شرعی است، من لبی فقد احرم، ثلاثة اشیاء توجب الاحرام، احرام مسبب از امور تکوینی است و نه این که عنوان مشیر به واقع تکوینی باشد و لذا می توان گفت این شخص قبل از سعی در مسعای جدید، شرعا محرم بود و بعد از سعی در مسعای جدید، شک در بقاء احرام می شود، استصحاب می­گوید هنوز احرام شرعی باقی است.

و ثانیا: این که گفته شد شک در بقاء موضوع داریم نیز ناصواب است، زیرا مهم بقاء موضوع عرفی است و نه شرعی، یعنی آن چه معروض حکم است عرفا باید باقی باشد، در این جا نیز عرفا خود این شخص معروض حکم است، عرف می گوید بر این شخص دیروز یک سری امور حرام بود و بعد از سعی در مسعای جدید شک در بقاء محرمات می شود، استصحاب می گوید حرمت آن امور هنوز باقی است.

**(مسألة 339)**

**يجب استقبال المروة عند الذهاب إليها‌ كما يجب استقبال الصفا عند الرجوع من المروة إليه فلو استدبر المروة عند الذهاب إليها أو استدبر الصفا عند الاياب من المروة لم يجزئه ذلك، و لا بأس بالالتفات الى اليمين أو اليسار أو الخلف عند الذهاب أو الاياب**.[[1]](#footnote-1)

## شرطیت استقبال در سعی

محقق خوئی فرموده: در سعی باید به نحو متعارف سعی نمود و نمی شود به شکل قهقری سعی کند، بلکه باید به نحو متعارف سعی کند، یعنی وقتی از سمت صفا راه می افتد، رو به سمت مروه باشد و وقتی از مروه حرکت می کند نیز رو به صفا باشد.

### نقد کلام محقق خویی ره

به نظر ما فرمایش ایشان تمام نیست، بلکه سعی بین صفا و مروه اطلاق دارد، لذا اگر کسی روی شتر بر خلاف جهت حرکت شتر بنشیند، اشکال ندارد و اطلاق ادله سعی شامل آن می شود و اگر شک شود نیز اصل برائت داریم و لذا آیت الله زنجانی نیز فرموده اند سعی به شکل قهقری اشکالی ندارد.

1. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 147](http://lib.eshia.ir/21006/1/147) [↑](#footnote-ref-1)